پارسیان دژ
تاریخ، فرهنگ و میراث ایران

مجموعهٔ مقاله‌ها
نسخهٔ ماندگار

حکومت ماد ها

بررسی و تحلیل آثار هخامنشیان در مصر

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۶ اردیبهشت ۱۳۹۵ · ۲۸ دقیقه مطالعه

چکیدهٔ مقاله

برگرفته از انجمن خرد نویسنده فریبا ساغری فهرست مطالب ۱) پیشگفتار ۲) حفر کانال سوئز بدست داریوش کبیر ۳) کتیبه های موجود پارسی در موزه مصر ۴) نقش برجسته ی مراسم سوگواری یکی از هخامنشیان در مصر بدست آمده از ممفیس ۵) بقایای اجساد ۲۵۰۰ ساله سربازان ایرانی در صحرای مصر ۶) معبد هیبیس ۷) مجسمه اودجاهورسنت ۸) مهرهای استامپی و سیلندری از دوره هخامنشی در مصر ۹) پاپیروس های بدست آمده از الفانتین ۱۰) منابع پیشگفتار اگر تا چندین دهه پیش، شناخت دوره هخامنشی در مصر عمدتاً متکی بر داده های متون کلاسیک بود، امروز

پارسیان دژ / حکومت ماد ها

برگرفته از انجمن خرد نویسنده فریبا ساغری

فهرست مطالب

۱) پیشگفتار

۲) حفر کانال سوئز بدست داریوش کبیر

۳) کتیبه های موجود پارسی در موزه مصر

۴) نقش برجسته ی مراسم سوگواری یکی از هخامنشیان در مصر بدست آمده از ممفیس

۵) بقایای اجساد ۲۵۰۰ ساله سربازان ایرانی در صحرای مصر

۶) معبد هیبیس

۷) مجسمه اودجاهورسنت

۸) مهرهای استامپی و سیلندری از دوره هخامنشی در مصر

۹) پاپیروس های بدست آمده از الفانتین

۱۰) منابع

پیشگفتار

اگر تا چندین دهه پیش، شناخت دوره هخامنشی در مصر عمدتاً متکی بر داده های متون کلاسیک بود، امروز آثار گوناکون باستانشناختی مهمترین منابع برای بررسی ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مصر طی دو دودمان هخامنشی هستند با این حال، پژوهش های باستانشناختی دوره استیلاء هخامنشیان در مصر به دلیل بی توجهی پژوهشگران به این دوره و در نتیجه کمبود داده ها و یافته ها در برابر حجم وسیع اطلاعات مربوط به سایر دوره های تاریخی مصر، ناچیز و اندک هستند قدیمی ترین گزارش های موجود از کاوش های باستانشناختی در محوطه های این دوره مصر، بسیار پراکنده و ناکافی است و کاوشهای نوین در این گونه محوطه ها در حال تکامل هستند. بیشتر آثاری که از کاوشهای قدیمی بدست آمده اند (مانند ظرفهای سنگی، پیکرکها، جواهرات و طلسم ها و مواردی از این دست) فاقد بافت دقیق باستانشناختی اند و عموماً در موزه های مختلف جهان و خارج از مصر نگهداری می شوند افزون بر این موارد، شرایط آب و هوایی و تمرکز ساخت و سازه های مسکونی نوین بر بیشتر محوطه های باستانی دلتا، که مهمترین مراکز شهری دوران متاخر مصر ۶۶۴ پ.م تا حمله اسکندر را در بر دارند، از دیگر مشکلاتی که دسترسی به محوطه ها و داده های این دوره را محدود می سازد. حضور هخامنشیان در مصر به دوران کمبوجیه پسر کوروش باز می‌گردد. او در لشکرکشی به مصر توانست مقابل فرعون پسامتیخ سوم (Psammetichus III) از سلسله بیست و ششم فراعنه مصر پیروز شود و آن کشور را به یکی از ساتراپی‌ها یا ایالات هخامنشی تبدیل کرد. پس از کمبوجیه داریوش اول نیز بر مصر حکومت کرد. اولین دوره تسلط هخامنشیان بر مصر حدود هفتاد و هفت سال طول کشید. طبیعی است حضور هخامنشیان در مصر سبب تاثیرگذاری هنر، معماری و مهندسی مصری و هخامنشی بر یکدیگر شده که اکنون نشانه‌های مختصری از آن به جای مانده است.

الف) حفر کانال سوئز بدست داریوش کبیر

از دوران فرمانروایی هخامنشیان بر مصر، آثار و یادمان‌های پرشماری برجای مانده است که بیشترین آنها از زمان داریوش یکم است. یکی از مهم‌ترین آثار به جای مانده از زمان داریوش در مصر، آبراهی است که رود نیل را به دریای سرخ پیوند می‌دهد. در طول مسیر این آبراه، تاکنون پنج ستون سنگی یادمانی از این پادشاه شناسایی شده است. ساخت آبراهی که دریای سرخ (احمر) را به رود نیل و دریای مدیترانه متصل کند، سرگذشتی طولانی دارد. فراعنه مصر دستکم از هزاره دوم پیش از میلاد (و شاید از هزاره سوم) در اندیشه ساخت چنین آبراهی بوده‌اند و در زمان فرعون نخائو/ نخو (۶۰۹ تا ۵۹۴ پیش از میلاد) ساخت آبراه تا اندازه زیادی پیش رفته بود. ابوریحان بیرونی در «تحدید نهایات الاماکن»، از نخستین فرعونی که فرمان ساخت آبراه را داد با نام «ساسسطراطیس» یاد می‌کند؛ در حالیکه هرودوت (کتاب دوم، بندهای ۱۵۸ و ۱۵۹) نخائو را آغازگر ساخت آبراه می‌داند. هرودوت همچنین نقل می‌کند که کار ساخت آبراه را داریوش به پایان رسانید؛ اما بیرونی و دیودور سیسیلی (کتاب یکم، بند ۳۳) آورده‌اند که داریوش از بیم اینکه تفاوت سطح دریاها موجب آب‌گرفتگی مصر شود، از ادامه کار خودداری کرد و آبراه را نیمه‌تمام گذاشت. این دو تاریخ‌نگار متفقاً گزارش کرده‌اند که ساخت آبراه در زمان بطلمیوس دوم/ فیلادلفوس (۲۸۵ تا ۲۴۶ پیش از میلاد) دومین پادشاه سلسله بطالسه (بطلمیوسیان) به پایان رسید. اما گزارش هرودوت مطابق با سنگ‌نبشته

داریوش است و از پایان ساخت آبراه و روان شدن کشتی‌ها در زمان همین پادشاه حکایت می‌کند. نظر استرابون در این باره مطابق با بیرونی است. او گزارش می‌دهد که حفر این آبراه را نخستین بار «سوستریس» پیش از جنگ‌های تروا آغاز کرد و داریوش آنرا دنبال نمود. اما به همان دلیل پیش‌گفته از ادامه کار خودداری کرد (کتاب هفدهم، بند ۲۵). نام پادشاهی که استرابو نقل می‌کند، شباهت فراوانی با نامی دارد که بیرونی آورده است. چنانکه در نقشه دیده می‌شود، بخشی از مسیر این آبراه باستانی با مسیر فعلی کانال سوئز (در عربی «قناه السُوَیْس») که در سال ۱۸۶۹ میلادی ساخت آن به پایان رسید، متفاوت است. کانال فعلی سوئز از شهر سوئز در شمال خلیجی به همین نام که در انتهای بن‌بست دریای سرخ/ احمر (دریای قلزم) واقع است، آغاز می‌شود و پس از عبور از دریاچه‌های تلخ و تمساح به بندر پورت سعید در کنار دریای مدیترانه (دریای مغرب) می‌رسد. اما مسیر آبراه باستانی فقط تا دریاچه تمساح با مسیر فعلی کانال مطابقت دارد و از این دریاچه به سمت غرب می‌پیچد و به شهر زقازیق (بوباستیس) می‌رسد که در کنار شاخابه‌ای از رود نیل واقع است. تفاوت مسیر آبراه باستانی با امروزی در اهداف سازندگان آنها نهفته است. هدف از ساخت این آبراه در دوران باستان- برخلاف منظور سازندگان کانال سوئز امروزی- تنها پیوند دریای مدیترانه با دریای سرخ و اتصال آب‌های آزاد سرزمین‌های شرق و غرب نبوده است. بلکه هدف اصلی‌تر، پیوند دریاییِ شهرها و روستاهای بزرگ و پرشمار مصر و حاشیه رود نیل با سرزمین‌های شرقی و ایجاد راه آبی تجاری بوده است. به همین دلیل نیز هست که مسیر آبراه، دریای سرخ و رود نیل را به یکدیگر متصل می‌سازد. آبراهی که در زمان فراعنه و داریوش برای اتصال دریای سرخ به رود نیل و دریای مدیترانه ایجاد شده است، دارای چهار بخش طبیعی و سه بخش مصنوعی است. بخش‌های طبیعی آبراه عبارتند از: ۱- دریاچه بزرگ تلخ، ۲- دریاچه تمساح، ۳- شاخابه‌ای از رود نیل، ۴- رود نیل. بخش‌های مصنوعی و حفاری شدهٔ آبراه عبارتند از: ۱- فاصله میان شهر سوئز تا دریاچه تلخ، ۲- فاصله میان دریاچه تلخ تا دریاچه تمساح، ۳- فاصله میان دریاچه تمساح تا شاخابه نیل که از وادی تومیلات می‌گذرد و به کنار شهر زقازیق می‌رسد. از اینجا به بعد کشتی‌ها از طریق شاخابه نیل به سوی رود نیل می‌رفته‌اند و سپس سوار بر نیل به شهرهای گوناگون عزیمت کرده و یا به دریای مدیترانه وارد می‌شده‌اند. نظریه‌ای نیز وجود دارد که دریاچه‌های تلخ و تمساح بخشی از مسیر نبوده‌اند و آبراهه از کنار این دریاچه‌ها می‌گذشته است. در این باره استرابو نظر دیگری دارد. او نقل می‌کند که چون دریاچه تلخ بخشی از مسیر آبراه بوده است، آب شیرین رود نیل موجب رفع تلخی آن و عزیمت ماهی‌ها و پرندگان به آنجا شده است (کتاب هفدهم، بند ۲۵). اکنون بخشی از این آبراه باستانی در ساخت کانال آبرسانی اسماعیلیه بکار رفته است.

سنگ نبشتهٔ داریوش در آبراه سوئز، نسخهٔ تل مسخوطه، متن هیروگلیف طرح
از کتاب داریوش و ایرانیان، نوشتهٔ والتر هینتس، ترجمهٔ پرویز رجبی به
نقل از پوزنر G. Posener

داریوش پنج کتیبه بر روی سنگ گرانیت سرخ‌رنگ (سنگ سماق) در کنار این آبراه مهم نگاشته است که یادمانی از انجام این برنامه بزرگ و شگفت مهندسی و زمین‌پیمایی در عصر باستان است. سنگ‌ها بلندایی در حدود ۳ متر دارند و بومی استقرارگاه خود نیستند؛ بلکه از جای دیگری تهیه شده و پس از پایان سنگ‌تراشی در محل فعلی خود نصب گردیده‌اند. ظاهراً هر پنج نسخه رونوشتی از یکدیگر هستند و تفاوتی در مضمون با هم ندارند. نخستین کتیبه در ابتدای آبراه و در نزدیکی شهر فعلی سوئز قرار دارد. دومین کتیبه در شهر شَلوف/ الشَلوفه است که امروزه در میانهٔ میدانی در این شهر جای دارد. سومین کتیبه در ابتدای دریاچه تلخ و در محل شهر فعلی کبریت برپا شده است. چهارمین کتیبه در نزدیکی شهر سرابیوم/ سرابه‌اوم و پنجمین کتیبه نیز در نزدیکی تل مسخوطه/ تل‌المسخوطه قرار دارد. هیچ یک از این پنج کتیبه سالم باقی نمانده‌اند و آگاهی از محتوا و مضامین آنها با قیاس با یکدیگر و اصلاح بخش‌های منهدم شده هر کدام با بخش‌های سالم مانده در نسخه‌ای دیگر ممکن می‌شود.

نخستین کتیبه را شارل دولسپس Charles du Lesseps در سال ۱۸۶۶ میلادی و در روند ساخت کانال سوئز شناسایی کرد و رونوشت‌های دیگر آن به مرور تا سال ۱۹۱۳ میلادی به دست آمدند. سنگ‌های یادمانی داریوش بجز کتیبه و فرمان او، دربردارندهٔ نقوش و نگاره‌هایی نیز هستند. شخص داریوش در یک سمت سنگ یادمان‌ها در جامه ایرانی و در برابر خدای ایرانی (اهورامزدا) و در سمت دیگر، در جامه فراعنه مصر و در برابر خدای مصری (خدابانو

«نـوت/ نِت») دیده می‌شود. در هر دو سوی سنگ یادبودها، نشان خورشید/ گوی بالدار بر بالای سر او و خدایان در اهتزاز است. در بخش مصری کتیبه و در زیر نقش داریوش و نوت، نگاره‌هایی از نمایندگان سرزمین‌های تحت حاکمیت او در حالیکه زانو بر زمین زده‌اند، همراه با نام سرزمین متبوعه آنان به خط و زبان مصری ثبت شده است. مشابه این نگاره‌ها در پایهء تندیس سنگی داریوش که در مصر ساخته شد و در شوش بدست آمد نیز دیده می‌شود. سنگ نبشته‌های یادمانی داریوش در کنار این آبراه با نام کلی کتیبه داریوش در سوئز و با نشان DZ شناخته می‌شوند. هر تخته‌سنگ دو رو دارد که در یک روی آن کتیبه‌هایی به خط‌ها و زبان‌های میخی فارسی باستان، عیلامی، اَکَدی (بابلی نو) و در روی دیگر، کتیبه‌ای به خط هیروگلیف و زبان مصری نویسانده شده است. متن‌های اکدی که در پایین‌ترین بخش سنگ‌ها قرار داشته‌اند، تقریباً بطور کامل از میان رفته و متن‌های عیلامی نیز بسیار آسیب دیده است. در متن هیروگلیف مصری که بخش‌هایی از آن سالم مانده است، مضامین و تعابیری وجود دارد که در متن فارسی باستان دیده نمی‌شود. سالم‌ترین متن بازمانده به هیروگلیف در میان کتیبه‌های داریوش، نسخه‌ای است که در نزدیکی تل مسخوطه قرار دارد.

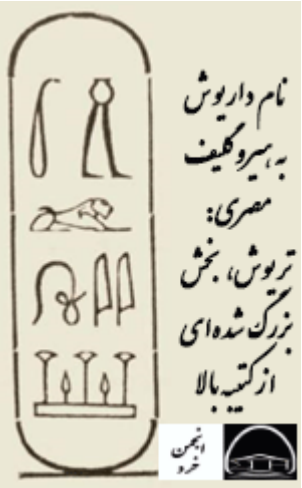

در این متن، نام داریوش به آوای مصری آن یعنی «تریوش» در یک قاب بیضوی در میان تصویر او و تصویر خدابانو «نوت» نوشته شده است. او خود را و خدای خورشید را پسران نوت می‌خواند و یادآور می‌شود که به یاری و پشتیبانی نوت و کمانی که او تقدیم داشته، توانسته است همه دشمنانش را شکست دهد و همگان برایش خراج آورند و در خدمتش باشند. او همچنین تبار خود را یادآور می‌شود و می‌افزاید که نوت دستان خود را برای یاری‌اش دراز کرده است. در ادامهٔ متن هیروگلیف نام شماری از پادشاهان پیشین مصر و ایران و از جمله نام کورش آمده است که البته تا حد زیادی از میان رفته‌اند.

سنگ‌نبشتهٔ داریوش در آبراه سوئز، نسخهٔ کبریت، متن فارسی باستان و عیلامی
طرح از همان منبع به نقل از منان J.Ménanat

اما سالم‌ترین متن فارسی باستان در میان رونوشت‌های گوناگون این کتیبه متعلق به نسخه‌های شَلوف و کبریت است. سنگ‌نبشته داریوش در آبراه سوئز، نسخه کبریت، متن فارسی باستان و عیلامی طرح از همان منبع به نقل از منان J. Ménanat بخش نخستِ این متن، یک سطر و یک واژه دارد که همانا نام داریوش به تنهایی است. این نام همانند متن هیروگلیف در یک قاب بیضوی در میان تصویر او و تصویر خدا (در اینجا اهورامزدا) نوشته شده است. بخش دوم دارای هفت سطر به فارسی باستان در سمت راست نگاره‌ها و پشت سر داریوش، و نیز چهار سطر به عیلامی و سه سطر به اکدی است که در سمت چپ نگاره‌ها و پشت سر اهورامزدا نوشته شده است. بخش سوم که در بر گیرنده متن اصلی فرمان ساخت آبراه است در زیر نگاره‌ها، دارای دوازده سطر به فارسی باستان و هفت سطرِ بازمانده به عیلامی است که ادامه متن عیلامی به همراه کل متن اکدی آن از میان رفته است. روی دیگر این تخته سنگ به مانند نسخه تل‌مسخوطه دارای متنی آسیب دیده به هیروگلیف است. نخستین آوانویسی و ترجمه‌ها از متن فارسی باستان را کایتان آندره‌ویچ کاسوویچ C. Kossowicz در سال ۱۸۷۲ در سن پترزبورگ، تولمن H. C. Tolman در سال ۱۹۰۸، ویسباخ F. H. Weissbach در سال ۱۹۱۱ و کنت R. G. Kent در سال ۱۹۴۲ به زبان‌های فرانسه، انگلیسی و آلمانی منتشر کردند. این آوانویسی و ترجمه‌ها تا زمان رونالد کنت به مرور درست‌تر و تکمیل‌تر شده‌اند. ترجمه این نگارنده به ویژه بر خوانش کاسوویچ از متن اصلی و پیشنهادهای والتر هینتس W. Hinz برای تلفظ واژگان فارسی باستان و بازنگری در برگردان پیشین خود در کتاب کتیبه‌های هخامنشی (چاپ چهارم، ۱۳۸۸) استوار است. ترجمهٔ فارسی سنگ‌نبشتهٔ فارسی باستان داریوش بزرگ در سوئز: بخش نخست (DZa)، بند ۱: داریوش [فارسی باستان: دارَیَوَهوش]. بخش دوم (DZb)، بند ۱،سطرهای ۱ تا ۷: شاه بزرگ، شاهانْ شاه، شاه

سرزمین‌ها، شاه در این زمین بزرگ، پسر ویشتاسپ [ویـسْـتـاسْـپَـه]، هخامنشی [هَـخـامَـنـیـشـیَـه]. بخش سوم (DZc)، بند ۱، سطرهای ۱ تا ۴: خدای بزرگ است اهورامزدا [اهـورامَـزداه]، که بیافرید آن آسمان را. که بیافرید این زمین را، که بیافرید آدمی را، که بیافرید از برای آدمی شادی را، که داریوش را شاهی فرا داد، که داریوش را شهریاری‌ای فرا داد بزرگ، با اسبان خوب، با مردمان خوب. بخش سوم، بند ۲، سطرهای ۴ تا ۷: من داریوش، شاه بزرگ، شاهانْ شاه، شاه سرزمین‌هایی با گوناگون مردمان، شاه در این زمین بزرگ، پهناور و دورکرانه، پسر ویشتاسپ، هخامنشی. بخش سوم، بند ۳، سطرهای ۷ تا ۱۲: گوید داریوش شاه، من پارسی‌ام، از پارس [پـارسَـه] مصر [مودرایَه] را گرفتم، من فرمان دادم به کندن این آبراه [یَـوْیـا]، از رودی به نام نیل [پـیـراوَه] که در مصر روان است، به سوی دریایی که از پارس می‌رود، پس آنگاه این آبراه کنده شد، چنانکه فرمان من بود، و کشتی‌ها [نـاوْیـا] در این آبراه از مصر به سوی پارس رفتند، چنانکه خواست من بود. مقدمه داریوش در این کتیبه تفاوت‌هایی با دیگر کتیبه‌های او دارد. برای نمونه در اینجا آفرینش آسمان پیش از آفرینش زمین آمده است و یا اینکه از آوردن عبارت معروفش «یک شاه از بسیاران، یک فرمانروا از بسیاران» خودداری شده است. داریوش در کتیبه سوئز با آوردن عبارت «از رودی به نام نیل که در مصر روان است، تا دریایی که از پارس می‌رود» ابتدا و انتهای آبراه را که رود نیل و دریای سرخ باشد، مشخص کرده است. در اینجا خواننده انتظار دارد که بجای «تا دریایی که از پارس می‌رود»، جمله «تا دریایی که به پارس می‌رود» نوشته شده باشد. اما گویا این متن در حالی دیکته شده که داریوش در پارس (ایران) بوده و بجای واژه «اَبـیـیـنْ»، واژه «هَـچـا» را بکار برده است. در نتیجه متن کتیبه در یکجا از دید گویندهٔ مقیم در مصر و در جای دیگر از دید گویندهٔ مقیم در ایران نوشته شده است. نکته دیگر در کتیبه داریوش اشارهٔ او به «گرفتن» مصر است؛ در حالیکه می‌دانیم مصر در زمان کبوجیه/ کمبوجیه دوم تصرف شده بود. این نه یک اشتباه است و نه انتساب دستاورد پیشینیان به نفع خود. بلکه این سخن داریوش اشاره به تصرف دوباره مصر پس از مرگ مشکوک کمبوجیه و نبردش با حاکم ایرانی مصر دارد.

ب) کتیبه های موجود پارسی در موزه مصر

مجموعه کتیبه های هیروگلیف یافت شده در وادی «حمامات» منسوب به «اتی ی وهی» ـ Ethiavahi که در زمان سلطنت داریوش اول ـ خشایارشا ـ و اردشیر اول، در سالهای ۴۷۶ ـ ۴۷۳ پ. م نوشته شده، اسناد معتبری از تعامل و تفاهم ایران و مصر است. در این اسناد «خشایارشا» همچون «ارباب دو کشور» مورد خطاب واقع شده است [شاه دو کشور، پسر رع (خدای مصری) صاحب دیهیم ها که جاودان زنده بماناد]. این همان عبارتی است که بر روی چند گلدان سنگی یافت شده در پرسپولیس و شوش نیز آمده است. در طبقه اول موزه یک نقشه بزرگ مربوط به ۱۹۰۶ در محل پلکان راهرو بطرف طبقه دوم موزه نصب شده که در آن خلیج فارس وجود دارد. در کتابخانه اسکندریه نیز یک نقشه رنگی منحصر به فرد منضم به یک کتاب مربوط به ۲۰۰ سال قبل قرار دارد که نقشه خلیج فارس را با نام اصلی و با جوهر زعفرانی ترسیم کرده است. این کتاب و نقشه آن ثبت آثار جهانی یونسکو شده است. «علی سامی» در کتاب خود «تمدن هخامنشی» می نویسد که جمعاً ۱۱۷ اثر ایرانی و هخامنشی به خط مصری (هیروگلیف) و «دموتیک ـ Demotique، خط دیوانی و اداری مصریان قدیم بر روی سنگ و لوح و مهر ومهره و ظروف سنگی و فلزی

تاکنون کشف شده که بیشترین آنها مربوط به زمان داریوش اول و خشایارشاه است.

ج) نقش برجسته ی مراسم سوگواری یکی از هخامنشیان در مصر بدست آمده از ممفیس

نقش برجسته ی مراسم سوگواری یکی از هخامنشیان در مصر بدست آمده از ممفیس

عکس روبرو سنگی به طول ۴۵ سانتی متر را نشان می دهد که مراسم سوگواریِ یکی از درجه داران/کارگزاران ایران در دوره ی هخامنشی در مصر بر آن حکاکی شده است. این نقش برجسته در ممفیس مصر یافته شده. سوگواران شامل این افراد هستند: خدمتکاران سکایی که شلوار پوشیده اند، مردی به همراه اسب، زنان/خدمتکاران زن که سینه های خود را برهنه کرده اند و موهای خود را می کنند (این دو از نشانه های سوگواری در مصر به حساب می آیند) و همچنین دو موجود فرشته مانند. وسایلی که در این نقش برجسته به چشم می خورند دارای سبک و فرم ایرانی هستند.

د) بقایای اجساد ۲۵۰۰ ساله سربازان ایرانی در صحرای مصر

به نقل از سایت «ام.اس.ان.بی.سی»، در یک اکتشاف، در کنار بقایای اجساد سربازان تنومند، حجم بزرگی از تجهیزات نظامی از جمله سلاح‌های برنزی، دستبندهای نقره‌ای، گوشواره‌ها به همراه صدها استخوان در یک منطقه عظیم بیابانی در منطقه صحرایی دور افتاده غرب مصر کشف شده که بر پایه استنادات تاریخی، بقایای سربازان ایرانی کامبیز دوم، پادشاه هخامنشی ایران باستان ـ که اعراب نام او را به کمبوجیه تغییر داده‌اند ـ است. این سربازان در ۵۲۵ سال پیش از میلاد مسیح بر اثر گرفتار شدن در یک توفان شن، زنده در زیر لایه‌های شن صحرا مدفون شده بودند. این سربازان پس از هفت روز راهپیمایی در بیابان به منطقه‌ای می‌رسند که اکنون با نام الخرقه شناخته می‌شود و پس از آن بود که سربازان ایرانی ناپدید شدند و هیچ کس اثری از آنها نیافت.هرودوت در تاریخ خود به بادهای شدیدی اشاره می‌کند که همزمان با حضور ایرانیان از سمت جنوب وزیدن گرفت و گردبادها و توفان‌های شن عظیم حاصل از آن سربازان ایرانی را در بر گرفت.

مقایسه آثار بدست آمده از سربازان هخامنشی در مصر با سنگ نگاره‌های تخت جمشید

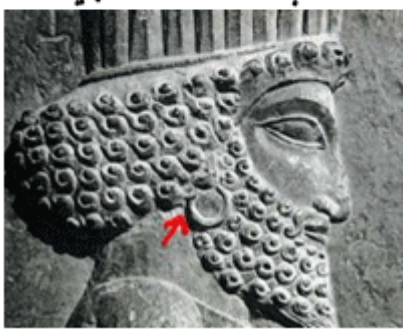

فیلم باستان‌شناسی که در فستیوال «روورتو» نشان داده شده، بیانگر تحقیق سه ساله و همچنین پنج سال اعزام هیأت باستان‌شناسی به این منطقه است. آنها در سال ۱۹۹۶ شروع به این فعالیت کردند که البته آنها آهن‌آلاتی را در نزدیکی «سیوا» پیدا کردند و در حالی که آنها روی منطقه کار می‌کردند، اجساد و استخوان‌های انسان‌های را در یک گودال یافتند که آنها این گودال را یک پناهگاه طبیعی در نظر گرفتند؛ آن یک صخره به طول ۱۱۴/۸ فوت و ۵/۹ فوت عرض و ۹/۸ فوت عمق یافتند. از این پناهگاه‌های طبیعی زیاد در صحرا یافت می‌شود، اما این یکی در آن منطقه تنها پناهگاه بوده است و اندازه آن برای پناه بردن و در امان ماندن از توفان شن مناسب است؛ اما فلزیاب‌های یک باستان شناس مصری، تعدادی خنجر برنزی و چندین کمان پیدا کرد. هرچند آنها ابزارآلات کمی پیدا کردند، این ابزارآلات بسیار مهم بودند، چراکه آنها ابزار آلات ابتدایی هخامنشیان بوده و عصر آنها به زمان کامبیز ـ کمبوجیه ـ برمی‌گردد که در یک منطقه نزدیک سیوا در زیر ماسه‌ها به دست آمده‌اند.

۵) معبد هیبیس

دوره حکومت داریوش اول مهمترین و با اهمیت ترین دوره تاریخی هخامنشیان است چرا که در این دوره بیشترین گسترش امپراتوری هخامنشی داشته و اصلاحات اداری و قضایی مهمی در این دوره انجام شده است. در این دوره محدوده امپراتوری از شمال و جنوب و شرق و غرب گسترش یافت. داریوش در مصر هم درگیر بحران سیاسی و عدم ثبات در این ساتراپ ایرانی بود. داریوش درمصر برای تحکیم حکومت خود، نظام اداری و حکومتی را به وضع سابق در دوره فراعنه برگرداند و همچنین حقوق و مزایای قدیمی مکان های مقدس و جوامع روحانی مورد تایید قرار داد. بنا به کتیبه بیستون هنگامی که داریوش در بابل بود مصر مانند سایر ساتراپ ها دست به شورش زده بود و تقریباً از حاکمیت سیاسی در حال خارج شدن بود که داریوش بدون هیچ گونه حادثه مهمی در سال ۵۱۸ پ.م دوباره کشور مصر را فتح و بر اوضاع مسلط شد. داریوش کوشش های کمبوجیه برای بدست گرفتن کنترل آبادی های مهم غرب مصر را ادامه داد و توانست معبد بزرگی در واحه الخارقه بسازد. داریوش با ساخت معبد هیبیس در واحه الخارقه نقش برجسته های با صحنه های مختلف از جمله انجام مراسم عبادی سنتی مصریان و تغذیه شدن بدست خدایان مصری را به نمایش گذاشته است . درباره مکان یابی جغرافیایی واحه الخارقه می توان گفت: واحه الخارقه در صحرای غربی مصر قرار دارد.احتمالا داریوش اول ضمن مسافرت به منطقه واحه الخارقه، دستور ساخت و ساز بناهای مذهبی از جمله معبد بزرگ هیبیس را صادرکرده است که این معبد در فاصله ۲۲۰ کیلومتری جنوب غربی آسوان و در فاصله ۲۱۰ کیلومتری لکسور قرار دارد. ساختمان معبد هیبیس که در محل مقبره قدیمی ترین و کوچکترین آمن ساخته شده است که امروزه به معبد هیبیس معروف است. ساخت این معبد تقریبا بیست سال از سال ۵۱۰ تا ۴۹۰ پیش ازمیلاد در دوره سلطنت داریوش اول طول کشیده است. آنچه در متون مصری در رابطه با ساخت معبد هیبیس ذکر شده است این است که این معبد به وسیله داریوش اول هخامنشی بنا و دیوار نگاری شده است در زمان داریوش دوم هخامنشی ضمن نوسازی، مرمت و تزئیناتی هم به آن اضافه شده است. این معبد دارای ۴۴ متر طول و ۱۹ متر عرض و ۵/۸ متر ارتفاع است و فضای کلی معبد شبیه به معابد مصری نظم و شکل داده شده است. بر روی یک پاشنه برنزی درب معبد کتیبه ای بخط میخی به عبارت "داریوش شاه شاهان" وجود دارد که احتمالاً مربوط به داریوش دوم است که در سال ۴۲۴ قبل از میلاد معبد را بازسازی و تکمیل کرده است.

ویژگی های معماری معبد هیبیس :

۱- یک سالن ستوندار با دوازده ستون با سر ستون های به شکل نخل و گل ساخته شده اند و دیوارهای که با نقش برجسته ها و کتیبه های تزیین شده اند ۲- یک سالن قربانی با دیوارهای پوشیده شده از نقش برجسته ها و متون مذهبی که نقش برجسته ها شاه را نشان می دهند که او به خدایان مختلف در معابد مصری کوزه پر از شراب هدیه می دهد.

۳- یک سالن ورودی ستوندار معبد یا چهار ستون که از سمت شمال و جنوب با دو انبار معین می کنند محل ممنوعه معبد و در ادامه سردابه و محل نگهداری مردگان و محل احترام اوزیریس و یک پله به طرف پشت بام هدایت می شود. در دیوار شمالی معبد سه درب وجود دارد. یکی به سالن ستوندار و یکی سالن قربانگاه و سومی به محراب یا محل نگهداری اشیا با ارزش معبد باز می شود.

۴) کنار محراب معبد در سمت غرب معبد در موقعیت طولانی دیوار محراب با نقش برجسته های مختلف تزیین شده است. این نقش برجسته ها مهمترین و اطلاعات ما درباره اساطیر قدیم مصر می باشند. آنها همه خدایان مصر را نشان می دهند که در این دوره در حد اعلای خود این موضوع را در شکل های مختلف به نمایش گذاشته اند.

خانم کارل میسولویچ باستان شناس و نویسنده کتاب «داریوش حاکم دو کشور ایران و مصر» معتقد است: داریوش برای احترام به خدایان مصری تعدادی معابد را بنا نمود. از جمله معبد هیبیس که در واحه الخارقه که از مراکز مذهبی مصر آن زمان دور بود.خانم کارل میسولویچ باستان شناس و نویسنده کتاب «داریوش حاکم دو کشور ایران و مصر» معتقد است: داریوش برای احترام به خدایان مصری تعدادی معابد را بنا نمود. از جمله معبد هیبیس که در

واحه الخارقه که از مراکز مذهبی مصر آن زمان دور بود.

کار توشه های داریوش در معبد هیبیس:

کار توشه حکاکی های بیضی شکل از فراعنه مصر است که همراه تصاویر و متون هیروگلیفی برای هدفی نوشته یا در بدنه دیوار یا مجسمه ای حکاکی شده باشد و این سنت قدیمی فراعنه در تبلیغ و ارائه عقاید خودشان است. کار توشه های داریوش در معبد هیبیس در مواردی رنگ آمیزی شده اند که بعضاً قرمز یا آبی کمرنگ بوده اند .

تصاویر داریوش اول بر روی دیوارهای معبد هیبیس:

بر دیواره های معبد هیبیس نقشهایی داریوش اول، شاه هخامنشی، چند جا به شکل فراعنه مصری و با سبک نقوش مصری حجاری و نشان داده شده است. شاید علت استفاده از این سبک خاص در ارائه چهره عجیب غیر معمول از داریوش این بوده باشد که هنرمندان فرصت کافی برای ارائه بهتر و واقعی تر تصاویر را نداشته اند همچنین داریوش مدت طولانی در مصر اقامت نداشته و بیشتر در ایران به سر می برده است. از دلایل دیگر این کار مصریها در زمانهای قبل از این دوره شاهان و فراعنه خود را به صورت پیکره های خدایان منحصر به فرد حکاکی و مجسمه سازی می کردند. بر دیوارهای محراب معبد نقش برجسته های مختلفی به صورت تزئینی ایجاد شده است براساس اطلاعات ما از اساطیر مصری همه آنها خدایان مصری را نشان می دهند. دیوارهای بیرونی معبد نقش برجسته های از داریوش اول هخامنشی دیده می شود که در حال آوردن قربانی به معبد با تشریفات خاص در مقابل خدایان ارائه شده است مخصوصاً درضلع غربی ساختمان معبد هیبیس ورودی دیوارها تصاویری از داریوش به شکل فراعنه مصری به نمایش گذاشته شده است. معبد هیبیس در واحه الخارقه که برای آمون وقف شده است و در این معبد خدایان اسطوره ای مصری از قرن های قبل با صحنه های که پرستش خدایان را به عنوان تبلیغات شاهی ایجاد نموده بودند و در تمام این صحنه ها داریوش شاه هخامنشی را به عنوان فرعون به همراه خدایان مصری نشان داده اند.

تشریح صحنه نقش برجسته های داریوش در معبد هیبیس:

نقش برجسته های داریوش در معبد هیبیس

۱) در اولین صحنه از تصاویر داریوش اول در معبد هیبیس به عنوان سمبل و نمادی از دو کشور ایران و مصر به عنوان فرمانروای دو کشور که در آن داریوش بر روی یک تخت سلطنتی نشسته و خدایان هارزیس هوروس در کنار او قرار دارند نشان داده شده است. هوروش با سر عقابی شکل و خدای دیگر با سر لک لک به عنوان توت خدای عقل و دانش در اسطوره شناسی مصری که هر دو پا های خود را بر زیر پایه تخت شاه تکیه داده‌اند.

نقش برجسته های داریوش در معبد هیبیس

۲) درصحنه دیگر خدایی با شکل عقاب بالدار، مار بسیار بزرگی را با نیزه می کشد. پادشاه داریوش یک تاج دو نشان

(نشان مصر علیا و مصر سفلا) بر سردارد وبالهای او از پشت یک عقاب (شاهین) نشوو نما کرده است. علاوه بر این، دو تصویرعقاب با بالهای گشاده، با قرص خورشید بر سر،پشت تنه خدا (داریوش) را مزین می کنند و شیری هم در این مبارزه به داریوش کمک می کند. شاید بتوان گفت هنرمند مصری خواسته با این تصویر قدرت و اقتدار داریوش را به نمایش بگذارد.

تصویر داریوش در حال انجام مراسم تاجگذاری

۳) در صحنه دیگر مثلا شاه (داریوش) را در حال ورود به معبد نشان می دهد. در صحنه ای دیگر الهه جرات و شجاعت به داریوش جوان شیر می دهد و در تقابل با این صحنه، در صحنه ای دیگر الهه آمون، پادشاه بالغ را با بازوان بلند در بر گرفته است.

و) مجسمه اودجاهورسنت

مهمترین سند باستان شناختی این دوره از تاریخ مصر در رابطه با فتح آن توسط کمبوجیه، کتیبه های تندیس اوجاهورسنت است که اکنون در موزه واتیکان نگهداری می شود. او پزشک دربار سلسه سایزس و افسربلند مرتبه وفرمانده نیروی دریائی مصر پیش ازفتح مصرتوسط کمبوجیه بوده است . مجسمه اوجاهورسنت، ایستاده ای را نشان می دهد که لباسی بلندی بر تن دارد و در دستهایش ناوسی را حمل می کند که شامل چهره اوزیرس است و قد آن ۷۰ سانتی متر و از ماده ای که از آن ساخته شده است،سنگ سبز تیره است. سر، گردن و دست چپ مجسمه به صورت ناشیانه بعداً ترمیم و مرمت شده است. کتیبه روی تندیس جمعاً ۴۸ ستون است و مطالب آن مستقل از یکدیگر نوشته شده است که آخرین آن مربوط به اصلاح مدرسه سایزس به فرمان داریوش اول که تاریخ تقریبی آن سال سوم حکومت داریوش اول در مصر بوده است.

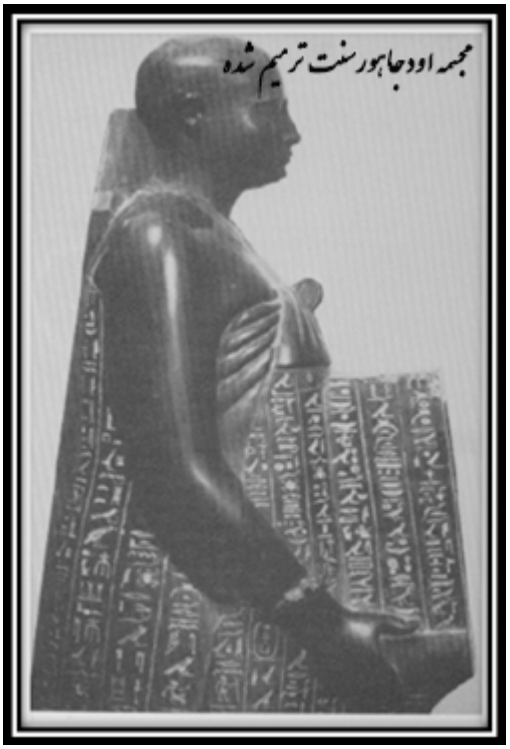

منابع یونانی از جمله هرودوت و استرابون،چنین ادعا می کنند که کمبوجیه معابد مصر را آتش زده و به خدایان مصری ضمن وارد کردن آسیب های آنها را به تمسخر گرفته است و آپیس گاو مقدس مصری ها را کشته و جسد مومیایی شده آماسیس، پدر فرعون به اسارت درآمده مصری را سوزانده است. تصویر کمبوجیه در کتاب هرودوت تصویر مهاجم بیگانه سنگدلی است که علاقه ای نسبت به عقاید اجتماعی و مذهبی مصریان ندارد. اما متون مصری مربوط به آن روزگار این تصویر را تائید نمی کنند. که مهمترین این متون کتیبه به خط هیروگلیف است که بر تندیس اوجاهورسنت نقش شده است. رویداد حمله کمبوجیه به مصر در این متن چنین گزارش شده است : کمبوجیه شاه بزرگ همه سرزمین های بیگانه به مصر آمد و او بر تمام سرزمین مصر چیره شد. او فرمانروای بزرگ مصر شد و سمت ریاست پزشکان را به من سپرد. او مرا در کنار خود به عنوان"دوست" و "مدیر کاخ" قرار داد و من عنوان سلطنتی شاه مصر علیا و سفلی رع را به او دادم. من باعث شدم شاه اهمیت و بزرگی معبد سائیت را به رسمیت بشناسد. این جایگاه نئیت بزرگ است مادری که رع را زایید، که زایمان را وقتی زایشی وجود نداشت آغاز کرد. سیاست کمبوجیه در مصر عیناً پیرو سیاست کوروش در بابل بوده است. یعنی تحکیم پیوند با نخبگان محلی، قبولاندن خود به عنوان فرمانروای خوب و ایفای نقش شاه مصر، به صورت مناسب که از کمبوجیه انتظار می رفت. یعنی خدایان را گرامی داشته و هدایا و نذوراتی را اهدا کرده، معابد را حفظ نموده و عناوین و نامهای تشریفاتی مصری برای خود بپذیرد.

ز) مهرهای استامپی و سیلندری از دوره هخامنشی در مصر

یکی از مهم ترین آثار دوران فرمانروائی پارس ها در مصر، مهرهای پادشاهی است که در اکثر ساتراپ‌ها و کشورهای ملل تابعه امپراطوری هخامنشی این مهر پادشاه بزرگ رایج بوده در واقع نه تنها چنین مهرهای منحصر بفردی وجود داشته بلکه بیش از ۳۰ عدد مهر در اختیار بوده است. چنانچه در زمان داریوش تمام مقامات عالیرتبه، از جمله کلیه استانداران که جزو مقامات عالیرتبه محسوب می شدند، یک چنین مهری را با نام داریوش داشته اند. یک نمونه از مهر دوران فرمانروائی پارس ها در مصر از مهر داریوش که فقط یک نمونه منحصر بفرد بوده است. احتمالاً داریوش اول در سال ۴۸۷ قبل از میلاد در مصر آن را به استانداران تازه منصوب شده اعطا کرده بود. دومین نمونه از مهرهای دوران فرمانروائی پارس ها در مصر به صورت یک مهر غلتان یا استوانه ای و توخالی است. بر روی تصویر سطح مهر یکی از پادشاهان هخامنشی که با یک نیزه ای در دست دارد ایستاده، کنده کاری شده است. در جلوی او فرعون مصر نیز زانو زده است.

ح) پاپیروس های بدست آمده از الفانتین

پاپیروس های بدست آمده از الفانتین

خط آرامی به برکت الفبای آسان خود، از سده هشتم پیش از میلاد در ناحیه مصر، فلسطین و قسمت هایی از آسیای صغیر، بیش از پیش به زبان ارتباطی "بین المللی" تبدیل شد و سرانجام به شکل مستقل "آرامی کهن" به زبان رسمی اداری هخامنشیان تبدیل گشت. از این زبان با این شکل که دانشمندان را آرامی شاهنشاهی یا رسمی می نامند، مدارک زیادی بدست ما رسیده است که از جمله می توان به اسناد مهاجرنشین نظامی یهودیان الفانتین (جزیره ای در نیل مقابل اسوان) در جنوب مصر که به نمایندگی از شاهان ایران عمل می کردند و نیز نامه های نوشته شده روی چرم از طرف آرشام (آرماسس) شاهزاده هخامنشی و ساتراپ مصر، اشاره کرد . در سالهای ۱۹۰۷-۱۹۰۶ از حفاری باستان شناسی که توسط رابینسون درجزیره الفانتین انجام گرفت حاصل آن کشف آرشیو و بایگانی مهم مهاجران نظامی یهودی جزیره الفانتین به خط آرامی و بر پاپیروس بود .در این آرشیو رونبشتی از متن بیستون به زبان آرامی که هزاران سال در آنجا محفوظ مانده بود، در مجتمع نظامیان یهودی الفانتین نیل بدست آمده است. این اسناد در دو طرف اوراق پاپیروس نگاشته شده و درحواشی آنها یادداشتهای اداری دوره هخامنشیان نیز قید شده بود. نوشته های پاپیروسی به زبان آرامی، دید و برداشتی روشن از زندگی در اقامتگاه هائی مانند پادگان یهودیان در الفانتین را ارائه می دهد و ستایش یهوز و معابد خدایان محلی و همچنین روابط آنها را با سایر گروههایی که در آنجا زندگی می کردند را گواهی می کنند حتی این نوشته های آرامی پاپیروسی با موفقیت تلاش کرده اند مکانیابی جغرافیای محله های الفانتین را برای بازسازی دوباره یا تجسم با توضیحاتی ارائه نمایند. پاپیروس های به خط آرامی به دست آمده از الفانتین تقریباً منابع منحصر به فرد اطلاعات در مورد اداره دادگاه ها و دادگستری، و همچنین وضیعت محاکم و اصول و روش های حاکم بر آن ارائه می دهند. زیرا مدارک دادگاه های مصری در دوران سائیت و در دوران حاکمیت هخامنشیان تاکنون به دست نیامده است و اطلاعاتی در این خصوص وجود ندارد.

فهرست منابع:

۱ - سامی، علی، تمدن هخامنشی، جلد اول، انتشارات سمت، چاپ دوم،۱۳۸۹

۲ - سانسیسی، هلن،کورت، آملی، تاریخ هخامنشی (آسیای صغیر و مصر فرهنگ های کهن در یک شاهنشاهی نوین)،جلد ششم، ترجمه: مرتضی ثاقب فر،انتشارات توس، چاپ اول ۱۳۸۸

۳ - خدادادیان، اردشیر، تاریخ مصر باستان، انتشارات دانشگاه تهران،۱۳۸۰

۴ - کالیکان، ویلیام، باستان شناسی و تاریخ هنر در دوران مادی ها و پارسی ها، ترجمه گودرز اسعد بختیاری، انتشارات پازینه، چاپ دوم، ۱۳۸۵

۵ - کورت، آملی، هخامنشیان، ترجمه مرتضی ثاقب فر، نشر ققنوس، چاپ ششم، ۱۳۸۹

۶ - قائم مقامی، جهانگیر، سنگنبشته های هخامنشی در ترعه نیل، مجله بررسیهای تاریخی، شماره مخصوص جشنهای دوهزارو پانصد ساله، سال ششم، مهر ۱۳۵۰

۷ - ماری کخ، هاید، از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجبی، نشر کارنگ، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۶

۸ - محمد پناه، بهنام، اسرار تمدن مصر باستان، نشر سبزان، ۱۳۸۵

۹ - ولایتی، رحیم، بررسی تاثیر هنر مصر در دوره هخامنشیان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی،۱۳۸۵

۱۰ - ولایتی، رحیم، بررسی و معرفی آثار معماری هخامنشیان در مصر، مجله صفه، انتشارات میراث فرهنگی

۱۱ - ولایتی، رحیم، معبد هیبیس یادگار معماری هخامنشیان در مصر،مجله اثر، شماره ۳۶ و ۳۷، ۱۳۸۳

۱۲ - ولایتی، رحیم،مطالعه بخشی از یافته های باستان شناسی مرتبط با هنر دوره هخامنشیان در مصر، مجله باغ نظر، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۷

۱۳- مجله باستان پژوهی شماره ۱۲-۱۳ تاریخ انتشار ۱۳۹۱

متن برگرفته از سایت ((انجمن خرد)) نوشته خانم فریبا ساغری

نگاه کنید به :

بررسی و تحلیل آثار هخامنشیان در مصر

این متن در راستای سیاست جدید پارسیان دژ در این سایت قرار گرفته است.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «بررسی و تحلیل آثار هخامنشیان در مصر»، پارسیان دژ، ۱۳۹۵.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

https://www.parsiandej.ir/articles/1835/pdf/بررسی-تحلیل-آثار-هخامنشیان-مصر.pdf

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵